

راز جاودانگی قیام سرخ طاشورا

قسمت اول

محمد تقی سبحانی نیا

بیش از یکهزار و سیصد سال است که شیعیان، هر ساله در عزای سرور و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی بر سر و سینه می‌زنند، نوحه می‌سرایند و بر مصائب او اشک ماتم می‌ریزند. این عزاداریها هر ساله باشکوه‌تر برگزار شده و هیچ‌گاه کم‌فروغ و بی‌رونق نگردیده است. مردم با شور و عشق و از روی جان و دل در آن شرکت می‌کنند و از بذل مال برای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن آن، دریغ نمی‌ورزند.

نام حسین - علیه‌السلام - در قلبها حک شده است و یاد نام او، اشکهای بی‌ریای مرد و زن و پیر و جوان را جاری می‌سازد. مردم کودکان خود را با مراسم عزای حسین - علیه‌السلام - آشنا و آنها را با یاد و نام او بزرگ می‌کنند و تکریم نام حسین بن علی - علیه‌السلام - و شرکت در مراسم سوگواری آن حضرت را از اوان طفولیت به آنان می‌آموزند.

هر مصیبتی پس از سپری شدن زمان، فراموش می‌شود. اما چرا مصیبت و قیام آن حضرت از یادها نمی‌رود؟! از یادها نمی‌رود؟! از یادها نمی‌رود!؟

در اینجا برآنیم که به ذکر یکی از علل جاودانگی قیام آن حضرت پرداخته، به این حادثه از نگاه روان‌شناسی بنگریم

سرچشمه رفتار انسان در علم روانشناسی

دانشمندان علم روانشناسی رفتار آدمی را ناشی از وجود انگیزه و امری موسوم به «سایق» می‌دانند. سایق نیرویی است که انگیزه را در موجود زنده ایجاد یا آن را تقویت می‌کند و در نتیجه او را به انجام عملی خاص وامی‌دارد.

سایقها یا محرکها از تنوع زیادی برخوردارند و هر سایقی محرکی خاص است که انگیزه رفتاری خاصی را در موجود زنده به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که برخی از دانشمندان این علم معتقدند انواع رفتارهای انسان یا از سایقهای تعادلی ریشه می‌گیرند یا از سایقهای ثانوی که خود از سایقهای تعادلی به وجود آمده‌اند.^۱

هر مصیبتی پس از سیری شدن زمان، فراموش می‌شود. اما چرا

مصیبت و قیام آن حضرت از یادها نمی‌رود؟

پاداشها و تنبیه‌ها دو دسته از سایقهای محرک و انگیزه سازند که از بارزترین و شاخص‌ترین سایقها به شمار می‌روند و تأثیر مستقیم و کاملاً مشهودی بر رفتار انسانها و حتی حیوانات می‌نهند. خداوند نیز، چون خالق انسان و از هر کسی به طبیعت او آگاه‌تر است، به خوبی می‌داند که سیستم رفتاری او همواره از کانال انگیزه و سایق می‌گذرد و به همین علت، در آیات خود از این طریق در بندگان برای پیروی از دین اسلام ایجاد انگیزه می‌کند و نیز انگیزه مؤمنان را تقویت می‌سازد.

شاید به همین سبب است که بشارت به پاداشهای اخروی و سعادت ابدی و نیز انداز از عذاب دردناک الهی و خسران ابدی، از مهم‌ترین مأموریت‌های پیامبران الهی است و حتی تمام مأموریت و رسالت آنان را در این دو کلمه «بشارت و انداز» می‌توان خلاصه نمود:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ وَ سَرَاجًا مُنِيرًا﴾^۲

۱- انگیزش و هیجان، ادوارد ج موری، ترجمه دکتر محمدنقی براهنی، نشر شرکت سهامی خاص، ص ۱۲

۲- سوره بقره (۲) آیه ۱۱۹

﴿و ما ارسلناك الا كافة للناس بشيراً و نذيراً﴾^۱

﴿و ما ارسلناك الا مبشراً و نذيراً﴾^۲

بشارتهای قرآنی به یاداش بزرگ در قیامت و نعمتهای بهشتی سایقهایی اند که انگیزه ایمان و پیروی از احکام دین اسلام را در انسان مؤمن به وجود می آورند و راه را برای انجام اعمال نیک هموار، و انگیزه انجام اعمال زشت و ناپسند را کم رنگ و ضعیف می سازند. آیاتی چون:

﴿و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجراً حسناً﴾^۳

﴿و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجراً كبيراً﴾^۴

﴿يبشّرهم ربهم برحمة منه و رضوان و جنات لهم فيها نعيم﴾^۵

﴿و بشر الذين آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الأنهار كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل و أتوا به متشابهاً و لهم فيها ازواج مطهرة و هم فيها خالدون﴾^۶

نبز اندازهای قرآنی به عذاب جهنم، آدمیان را از عذاب دردناک دوزخ بر حذر می دارند و انگیزه کفر و شرک و انجام عمل زشت و ناپسند را در آنها تضعیف می نمایند:

﴿ان الذين كفروا لن تغني اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً و اولئك هم وقود النار﴾^۷

﴿قل للذين كفروا ستغليون و تحشرون الى جهنم و بئس المهاد﴾^۸

﴿و من يعص الله و رسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً خالداً فيها و له عذاب مهين﴾^۹

البته این تنها بخش اندکی از آیات فراوانی است که بشارت و انذار الهی را به مردم ابلاغ

می نمایند.

۱- سوره سبأ (۳۴) آیه ۲۸

۲- سوره اسراء (۱۷) آیه ۱۰۵

۳- سوره كهف (۱۸) آیه ۲

۴- سوره اسراء (۱۷) آیه ۹

۵- سوره بويه (۹) آیه ۲۱

۶- سوره بقره (۲) آیه ۲۵

۷- سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰

۸- سوره آل عمران (۳) آیه ۱۲

۹- سوره نساء (۴) آیه ۱۴

تعارض انگیزه‌ها

اگرچه آیات مذکور و نیز آیات و روایات مشابه، هر یک به عنوان سابق و محرک می‌تواند در رفتار انسان تأثیرگذار باشد، ذکر این نکته نیز ضروری است که درون انسان همواره صحنه کارزار انگیزه‌هاست؛ یعنی انگیزه‌های فراوانی همواره ذهن و فکر آدمی را به خود مشغول می‌سازد و هر یک صاحب خود را به انجام عملی مطابق با آن انگیزه فرا می‌خواند.

اما در این صحنه، تنها آن انگیزه نیرومندتر است که پیروز میدان می‌شود و توفیق می‌یابد تا رفتار صاحبش را به سوی خود سوق دهد؛ مثلاً علاقه به سعادت اخروی و نیز علاقه به کسب مقام و منزلت دنیوی - از راه باطل - دو انگیزه‌ای است که در درون هر انسانی وجود دارد؛ اما ممکن است انگیزه دست‌یابی به سعادت ابدی در یکی بر انگیزه دست‌یابی به مقام و منزلت دنیا غلبه یابد و در نتیجه به انگیزه دست‌یابی به مقام و منزلت، رفتاری متناسب با انگیزه پیروز از او سر زند، اما در دیگری انگیزه نخست مغلوب شده، مقام و منزلت دنیوی برگزیده شود.

البته پیروزی یک انگیزه بر انگیزه‌های دیگر همواره منجر به نابودی یا از دست رفتن فرصت برای انگیزه‌های دیگر نمی‌شود؛ بلکه ممکن است آنها در حالت ضعیف شده یا ناهشیار نگاه داشته شوند تا آنجا که حتی صاحب آن نیز از وجود آن چندان آگاه نباشد و آنگاه که آن انگیزه نیرومند فروکش کرد و به هدفش نائل شد یا دچار شکست گردید، ناگاه با سابق‌ی نیرومند انگیزه خفته و ناهشیار تقویت و آشکار گردد.^۱

انگیزه‌های کوفیان

در میان خلفای جور، معاویه بارزترین و شاخص‌ترین خلیفه‌ای بود که از ایجاد سایقه‌های نیرومند در بین مردم برای رسیدن به اهداف شوم خود، بیشترین بهره را بُرد. او با وعده‌های راستین و دروغین افراد را می‌خريد و با این روش آنان را تحریک می‌کرد تا به سمت او جذب شده، از گرد امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین - علیهم‌السلام - پراکنده شوند.

۱- رک انگیزش و هیجان، ادوارد ج موری، ترجمه دکتر محمدنقی براهنی، بحث تعارض انگیزه‌ها

معاویه از یک سو با وعده‌های طمع‌انگیز و از سوی دیگر با تهدیدهای خشن، شیعیان علی بن ابی طالب - علیه‌السلام - را تحت فشار شدید قرار می‌داد و انگیزه هرگونه اظهار ارادت و علاقه به خاندان علوی را در آنان تا آنجا که ممکن بود تضعیف می‌نمود.

این روش در زمان یزید نیز تداوم یافت و نماینده و دست‌نشانده خون آشامش، عبیدالله بن زیاد بیش از هر زمان دیگری آن را در کوفه به اجرا درآورد.

از زمانی که پای عبیدالله بن زیاد به کوفه رسید، چنین رفتاری برای جلوگیری از تصرف کامل شهر توسط شیعیان و هواداران سیدالشهداء به وضوح مشاهده شد. استفاده از سایقه‌های محرک و سایقه‌های بازدارنده در سطح بسیار وسیعی صورت پذیرفت.

او از یک سو با خریدن سران قبایل و نیز با وعده‌های ناچیز و حقیر و گاه پوچ به مردم عامی، بدفراخور حال هر کس سایقی نیرومند برای مبارزه با انگیزه حمایت از حسین بن علی - علیه‌السلام - ایجاد کرد و آنگاه که انگیزه حمایت از امام حسین - علیه‌السلام - را در بین مردم فوی‌تر دید، بر تحریک‌های خود افزود و با تهدید و ارباب شدید، همت خود را بر تضعیف انگیزه مقدس مردم در حمایت و پیروی از سیدالشهداء - علیه‌السلام - به کار بست.

بشارتهای قرآنی به پاداش بزرگ در قیامت و نعمتهای بهشتی سابقه‌ای هستند که انگیزه ایمان و پیروی از احکام دین اسلام را در انسان مؤمن به وجود می‌آورند و راه را برای انجام اعمال نیک هموار، و انگیزه انجام اعمال زشت و ناپسند را کم‌رنگ و ضعیف می‌سازند.

سرانجام بشارتها و انذارهای ابن زیاد که گاهی جنبه عملی نیز به خود می‌گرفت، و ضعف و سستی ایمان کوفیان و عدم شناخت کافی نسبت به شخصیت و منزلت سیدالشهداء - علیه‌السلام - و از همه مهم‌تر دنیاطلبی و مادی‌گرایی آنان تأثیر خود را بر رفتارشان نمایان ساخت و انگیزه آنان را در پیوستن به امام و حمایت از آن حضرت تضعیف نمود یا از بین برد.

از آن جمعیت انبوه دعوت‌کننده و بیعت‌کننده با مسلم بن عقیل، تعداد انگشت شماری، مخفیانه خود را به امام حسین - علیه‌السلام - رساندند و به وعده خود عمل نمودند و بقیه یا دست از حمایت ابا عبدالله - علیه‌السلام - کشیدند و به گوشه‌ای خزیدند یا در صف دشمنان امام

درآمدند و کسوت قاتلین آن حضرت را بر تن نمودند.

برخی خبرها از سوی افرادی چون فرزادق به امام حسین - علیه السلام - می‌رسید و در آن تصریح می‌شد که قلبهای مردم با امام و شمشیر آنان علیه آن حضرت است. این خبرها حاکی از آن بود که در وجود کوفیان دو انگیزه وجود داشت:

نخست انگیزه حمایت از امام زمان خود؛ یعنی حسین - علیه السلام - و جهاد در رکاب او با خلیفه فاسق و فاجر و دیگری انگیزه برخورداری از امنیت جان و مال و ناموس و انتخاب زندگی چند روزه دنیا و دست‌یابی به جایزه مادی.

سرانجام آنچه به وقوع پیوست، نتیجه‌ای جز شهادت مظلومانه سیدالشهداء - علیه السلام - و اصحاب و خاندان با وفایش و به اسارت رفتن اهل بیتش در پی نداشت.

دگرگونی در انگیزه‌ها

پس از پایان حادثه عاشورا و بر ملا شدن ابعاد دلخراش و جانفرسای قیام سیدالشهداء - علیه السلام - دوستداران و شیعیان اهل بیت به خود آمدند و کم‌کم زمینه پیدایش دو گروه عمده در میان آنان فراهم آمد:

گروه نخست توانی‌نی بودند که پس از دعوت از امام و بیعت با نماینده آن حضرت (مسلم بن عقیل)، عهدشکنی کردند و دست از یاری آن حضرت کشیدند و او را در میان سپاه کفر تنها گذاردند؛ آنها پس از شهادت امام، ندامت و پشیمانی سراسر وجودشان را فراگرفت و سرانجام منجر به برپایی قیامی موسوم به قیام توأبین شد.

پس از آنکه انگیزه‌های دنیاطلبی کوفیان فروکش کرد و سایقهای تطمیعی و تهدیدی حکومت اموی موضوعیت خود را تا حدی از دست داد، بار دیگر انگیزه دینداری و دست‌یابی به سعادت ابدی در وجود کوفیان نمایان شد، اما این بار با قوت بیشتر؛ زیرا آنان پس از آنکه خاندان سیدالشهداء - علیه السلام - را در کسوت اسیری به کوفه دیدند و سر مطهر حسین - علیه السلام - را بر نوک نیزه مشاهده کردند، دریافتند که چه جنایت عظیمی مرتکب شده‌اند و در صورت عدم جبران بی‌وفایی و عهدشکنی خود، هرگز سعادت آخرت را در پیشگاه خدا و رسولش درک نخواهند کرد.

این عامل انگیزه آنان را تا آنجا قوت بخشید که دیگر هیچ انگیزه‌ای نمی‌توانست بر آن غلبه

نماد از ابن رو نخست در حمات عبدالله بن عقیف از دی که ابن زیاد را به هنگام سخنرانی و بدگویی از سیدالشهداء - علیه السلام - رسوا نمود جنگ سختی نمودند و عده‌ای کشته شدند^۱ و بس از آن پیام توأبین بر پا شد و در نهایت سرکوب گردید؛ اما ترس از کشته شدن و جدایی از عزیزان باعث نشد تا آنان از انگیزه مقدسشان دست بردارند و در صدد جبران گذشته بر نیایند. گروه دوم شیعیانی بودند که تنها اخبار مظلومیت‌های حسین - علیه السلام - و اصحاب و اهل بیتش و جنابانی که یزیدیان به آنان روا داشته بودند، به آنها رسیده بود.

بس از شنیدن این اخبار دو هیجان مهم «خشم» و «خزن و اندوه» در اسر وجود آنان را فرا گرفت: خشم نسبت به ظالمان و ستمگرانی که عامل محقق شدن چنین جنایتی بودند و حزن و اندوه به سبب جدایی از پیشوا و مولای خود حضرت ابا عبدالله و آن ستمی که بر او روا داشته شده بود.

امامان پس از سیدالشهداء - علیه السلام - به دو امر همت گماردند: نخست ممانعت از فراموش شدن حادثه عاشورا و قیام خونین سیدالشهداء - علیه السلام - و اهداف آن حضرت، و دیگر انجام دادن مأموریت خود در محافظت از کیان دین بر اساس آنچه شرایط عصر اقتضای نمود.

از این رو سعه‌ور شدن این هیجانها در نهاد شیعیان، ظلم‌ستیزی و نیز خونخواهی سیدالشهداء - علیه السلام - را در نهاد آنها بارور کرد و تلاشهای بعدی آنان را در مخالفت و ستیز با حکومت وقت و باری رساندن به قیامهای توأبین با پی‌ریزی قیامهای خون‌خواهانه‌ای همچون قیام رند بن علی بن الحسین را موجب شد.

سخنی درباره هیجان

هیجانها از دیدگاه دانشمندان روانشناس، سایقه‌های عاطفی‌اند که تأثیرگذارترین عامل در رفتار مردم به شمار می‌روند. علم روان‌شناسی بر این اعتقاد است که هیجانها از محرکها ناشی

می‌شوند. بنابراین محرک‌ها هیجان‌ها را و هیجان‌ها رفتار آدمی را می‌سازند.

«جورج اس برت» روانشناس معروف در این باره می‌گوید:

«همه هیجان‌ها از یک محرک که تعادل موجود زنده را بر هم می‌زند ناشی می‌شوند.»^۱

«هاردی ای کار» روانشناس دیگر در تعریف هیجان می‌گوید:

«می‌توان هیجان را اجمالاً به عنوان یک نوع سازگاری مجدد جسمانی تعریف کرد که

به طور غریزی به وسیله یک موقعیت محرک به وجود می‌آید و به نوبه خود باعث بروز

انطباق مؤثرتری در مقابل آن موقعیت می‌شود.»^۲

همچنین بسیاری از دانشمندان علم روانشناسی بر این باورند که سایقه‌های عاطفی، یعنی

هیجان‌ها، یا انگیزه‌اند یا نقشی همانند انگیزه در رفتار آدمی ایفا می‌کنند؛ یعنی همان گونه که

انگیزه رفتار ساز است، هیجان‌ها نیز باعث بروز رفتاری متناسب با آن هیجان در انسان می‌شود.

«سیلوان تام کینز و کارول ایزارد معتقدند تعریف هیجان با تعریفی که برای انگیزه

می‌شود برابر است؛ زیرا آنها رفتار را نیرو و بخشیده و آن را هدایت می‌کنند. مثلاً

ترس شخص را برای انجام عمل و هدایت آن به سوی هدف یعنی رهایی از عمل ترس

نیرومند می‌سازد. پس هیجان‌ها مانند برنامه‌ها، اهداف، نیازهای فیزیولوژیکی و تمام

انگیزه‌ها رفتار را نیرو و بخشیده و هدایت می‌کنند.»^۳

«رابرت لیسپر نیز معتقد است که هیجان‌ها مثل انگیزه‌ها به رفتار انسان جهت و

انتظام می‌بخشد.»^۴

امادر میان سایقه‌های عاطفی که تأثیرگذارترین سایقه‌ها در رفتار آدمی‌اند، «خشم» داغ‌ترین و

پر شورترین هیجان به شمار می‌رود.

«جان مارشال ریو» در کتاب خود می‌نویسد:

«خشم یعنی هیجانی که به صورت بالقوه خطرناک‌ترین هیجان می‌باشد؛ زیرا هدف

۱- هیجان‌ها، روبرت پلاچیک، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مؤسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱،

ص ۲۰۲.

۲- همان، ص

۳- انگیزش و هیجان، جان مارشال ریو، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ویرایش، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶.

۴- انگیزش و هیجان، ادوارد ج موری، ترجمه دکتر محمدنمی براهنی، انتشارات شرکت سهامی خاص، ص ۲۰.

کارکردی آن نابود ساختن موانع موجود در محیط است. خشم اگر چه در بسیاری از موارد مفید نیست؛ اما چون بقیه صفات و ویژگیهایی که در وجود آدمی نهاده شده است، نوع مفید نیز دارد. خشم مفید یا خشم مقدس از نظر تکاملی نیرو را در جهت دفاع از خود یا از کسی که به آن عشق می‌ورزد بسیج می‌کند، دفاعی که ویژگی آن قدرت، استقامت و تحمل و بردباری است.^۱

او در ادامه می‌افزاید:

«از سوی دیگر حُزن و اندوه نیز منفی‌ترین و آزاردهنده‌ترین هیجان می‌باشد. دو فعال‌ساز اصلی اندوه، جدایی و شکست است. اندوه همبستگی گروه‌های اجتماعی را آسان می‌کند؛ چون جدایی از افرادی که در زندگی مهم هستند، موجب اندوه می‌شود؛ و چون اندوه احساس ناراحت‌کننده‌ای است، پیش‌بینی آن - و یا تحقق آن - مردم را برای همبستگی و وحدت با اشخاص مورد علاقه بر می‌انگیزد.»^۲

از این رو اندوه و حزن همواره باعث افزایش همبستگی و وحدت و اظهار همدردی بین هم‌نوعان، همکیشان، همبستگان یا اعضای خانواده را موجب می‌شود.

روزگار ائمه - علیهم‌السلام - پس از امام حسین - علیه‌السلام - اقتضای قیامی دیگر را نداشت. از این رو مبارزه آنان به مبارزه سرد تبدیل شد و در کنار آن به تبیین احکام دین و ممانعت از انواع کج‌رویها و بدعتها مبادرت ورزیدند؛ اما این امر همواره در کنار تلاش گسترده برای احیای راه سیدالشهداء - علیه‌السلام - صورت می‌پذیرفت.

اکنون شاید به روشنی آشکار شده باشد که مظلومیت سیدالشهداء - علیه‌السلام - و خاندان و اصحابش باعث ایجاد دو هیجان بزرگ «خشم و حُزن» در وجود شیعیان شد و در نتیجه اگر چه در ظاهر یزید و یزیدیان پیروز شدند، پس از آن واقعه پایه‌های حکومتشان بیش از پیش متزلزل گردید و هر روز از گوشه‌ای قیامی برخاست و انقلابی رخ نمود که آرامش را از حاکمان فاسق اموی ربوده بود.

۱- انگیزش و هیجان، جان مارشال ریو، ص ۳۶۴

۲- همان، ص ۳۶۶

ظلمی که بر خاندان عصمت و طهارت رفت، چنان خشم و حزنی در وجود شیعیان ایجاد کرده بود که همچون بُغضی گلوگیر، روحیه انتقام‌گیری و خونخواهی را در وجود آنان بر می‌انگیخت؛ خشمی که هرگز فروکش نمی‌کرد و حزنی که هرگز به فراموشی سپرده نمی‌شد.

راز جاودانگی قیام سرخ عاشورا

به راستی چرا امامان معصوم - علیهم‌السلام - پس از سیدالشهداء همچون او قیام نکردند و حماسه عاشورا را تکرار نمودند؟ آیا آن بزرگواران از هر کس دیگری اولی بر اظهار خشم خود نبودند؟!

روشن است که مبارزه با گمراهی، هر روز اقتضایی دارد و روش جدیدی را می‌طلبد. اهل بیت - علیهم‌السلام - از این مهم غافل نبودند و برای تداوم مبارزه با انحراف و ظلم و بیدادگری در صدد تبیین احکام شریعت و محافظت از آن در مقابل انواع کج‌رویها و بدعتها برآمدند؛ یعنی همان گونه که باید علیه ظلم و ستم جنگید و با ظالمان مبارزه نمود، باید احکام دین به روشنی تبیین می‌شد و ابعاد مختلف آن برای مردم آشکار می‌گشت.

امامان پس از سیدالشهداء - علیهم‌السلام - به دو امر همت گماردند: نخست ممانعت از فراموش شدن حادثه عاشورا و قیام خونین سیدالشهداء - علیهم‌السلام - و اهداف آن حضرت، و دیگر انجام دادن مأموریت خود در محافظت از کیان دین براساس آنچه شرایط عصر اقتضا می‌نمود.

مظلومیت سیدالشهداء - علیهم‌السلام - و خاندان و اصحابش باعث ایجاد دو هیجان بزرگ «خشم و حزن» در وجود شیعیان شد.

روزگار ائمه - علیهم‌السلام - پس از امام حسین - علیهم‌السلام - اقتضای قیامی دیگر را نداشت. از این رو مبارزه آنان به مبارزه سرد تبدیل شد و در کنار آن به تبیین احکام دین و ممانعت از انواع کج‌رویها و بدعتها مبادرت ورزیدند؛ اما این امر همواره در کنار تلاش گسترده برای احیای راه سیدالشهداء - علیهم‌السلام - صورت می‌پذیرفت.

از این روست که قیام ظلم‌ستیزانه امام حسین - علیهم‌السلام - همواره تازه مانده و به امامان

پس از سیدالشهداء - علیه السلام - این امکان را داده تا مردم را از نظر بصیرت و آگاهی رشد داده، آنان را با حقایق و تعالیم دین بیشتر آشنا سازند و جهالت‌ها را بزایند و از این راه، مبارزان با سپاهیان تاریکی از بینش و آگاهی بیشتری برخوردار شوند.

مرور خاطرات مظلومیت سیدالشهداء - علیه السلام - و ظلم‌ستیزی آن حضرت و تأکید و اصرار فراوان نسبت به برپایی پرچم عزا و تشویق مؤمنان به زنده نگاه داشتن یاد او، بدگونه‌ای است که گویی در هر سال، حسینی دیگر از فرزندان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بر علیه ظلم و ستم قیام کرده و به دست ظالمان به شهادت رسیده باشد.

تأثیر این حرکت چیزی جز برقرار داشتن آن دو هیجان در وجود مسلمانان و شعله‌ور ساختن مجدد آن در میان شیعیان نبود، و جز روشن ماندن چراغ هدایت حسینی و متزلزل شدن پایه‌های هر حکومت فاسد، نتیجه دیگری به دنبال نداشته است.

قیام ظلم‌ستیزانه امام حسین - علیه السلام - همواره تازه مانده و به امامان پس از سیدالشهداء - علیه السلام - این امکان را داده تا مردم را از نظر بصیرت و آگاهی رشد داده، آنان را با حقایق و تعالیم دین بیشتر آشنا سازند و جهالت‌ها را بزایند و از این راه، مبارزان با سپاهیان تاریکی از بینش و آگاهی بیشتری برخوردار شوند.

ادامه دارد.